

بحران بدهیها

ترجمه و تلخیص:
مهرداد معتمدزفولی

برای کشورهای فقیر در آغاز دهه ۱۹۸۰، بحران بدهیها واقعا "ویران کننده بود. بدون توجه به کوشش آنها، به نظر می رسید که کوه بدهیها بلندتر شده و بار بازپرداخت روز به روز مقدار بیشتری از منابع مالی کمیاب آنها را جذب می کرد. سرعت پیشرفت های اجتماعی آرام دهه های قبل کاهش یافته و به تدریج متوقف می شد و در برخی از کشورهای در حال توسعه سیر فقهقایی می یافت. سرمایه گذاری های مولد کاهش یافته، نرخ رشد پایین آمده و برنامه های توسعه ناتمام می ماندند.

از آغاز بحران بانکهای تجاری زمان لازم برای افزایش ذخایر در مقابل زیانهای احتمالی ناشی از وامهای بازپرداخت نشده را داشتند، بدین ترتیب هراس اولیه از سقوط سیستم مالی بین المللی کاهش یافت. کشورهای صنعتی توانستند خود را از رکود اقتصادی اوایل دهه بیرون کنند. اما بسیاری از کشورهای در حال توسعه نتوانستند به این گروه بپیوندند.

در ابتدا، همه تصور می کردند که بازگشت به رونق اقتصادی جهانی و افزایش میزان تجارت، کشورهای بدهکار را قادر می سازد تا بر مشکلات پرداخت بهره و امها غلبه کنند. اما همان طور که دبیرکل انکتاد اشاره کرد:

" هر روز آشکارتر می شود که، با توجه به حجم بدهیها و زیانهای انباشته آنها در سالهای اخیر رونق در اقتصاد جهانی به تنهایی نمی تواند به اقتصادهای بدهکار کمک کند ."

کشورهای در حال توسعه در حدود ۱۳۰۰ میلیارد دلار در آغاز سال ۱۹۸۹ به طلبکاران خارجی بدهکار بودند. این مبلغ در حدود $\frac{1}{4}$ جمع کل محصول ناخالص ملی آنها و در حدود دو برابر درآمد حاصل از صادرات آنها در سال می باشد. بهره سالانه ای که باید پرداخت شود، در حال حاضر، در حدود ۱۰۰ میلیارد دلار است.

وضع در برخی از منطقه‌ها اسفبارتر است. آمریکای لاتین و کشورهای حوزه کارائیب حدود ۵۰۰ میلیارد دلار که در حدود سه برابر درآمد صادراتی منطقه در سال است، بدهکارند. بدهی آفریقا ۲۳۰ میلیارد دلار و در حدود سه برابر درآمد صادراتی سالانه و بیش از $\frac{3}{4}$ تولید ناخالص ملی این قاره است.

اخیراً بیش از ۷۰ کشور در حال توسعه، کشورها با مشکلات بدهی حاد در نظر گرفته شده‌اند. بسیاری از بحثها درباره بحران بدهی، بخصوص، کشورها با بدهی فراوان و درآمد متوسط، توجه را به نمونه‌های کوچک، در ابتدا ۱۵ کشور و اخیراً ۱۷ کشور، معطوف می دارند (این ۱۵ کشور عبارتند از: آرژانتین، بولیوی، برزیل، شیلی، کلمبیا، ساحل عاج، اکوادور، مکزیک، مراکش، نیجریه، پرو، فیلیپین، اروگوئه، ونزوئلا، یوگسلاوی - دو کشور اضافه شده کستاریکا و جامائیکا می باشند).

برخی از کشورها در این گروه بدهکاران بزرگ شامل نمی شوند، اما مقدار بدهی آنها نسبت به ظرفیت اقتصادیشان بسیار بزرگ است. مصر ۴۰ میلیارد دلار یا به اندازه تولید ناخالص ملی اش بدهکار است، بدهی جمهوری یمن و موریتانی دو برابر تولید ناخالص ملی شان می باشد. بدهی موزامبیک، گینه بیسائو، سودان، سومالی، نیکاراگوئه، برمه ۱۵ برابر درآمد صادراتی سالانه آنهاست. سنگینی بار بدهی یک کشور غالباً بر حسب تعهد بازپرداخت اصل و فرع در یک سال مشخص، اندازه گیری می شود. اندازه مطلق بدهی سنگینی بار بدهی را تحت تأثیر قرار می دهد، اما در این زمینه شرایط خاص وام، بخصوص نرخ بهره و سررسید نیز اهمیت دارند. یک قاعده ساده این است که بازپرداخت اصل و فرع بدهی نباید بیش از ۲۵ درصد درآمد صادراتی کشور گردد. اما براساس تخمینهای صندوق بین المللی پول، این نسبت برای ۱۵ کشور بسیار بدهکار در سال ۱۹۸۹، ۴۱ درصد بود که انتظار می رود تا سال ۱۹۹۴ به ۳۵ درصد کاهش یابد. کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای آفریقا تخمین زده است که بازپرداخت اصل و فرع بدهیها در این قاره

در سال ۱۹۸۸ در حدود ۴۰ درصد بوده است.

بازپرداخت بدهیها چنان سنگین است که بسیاری از کشورهای در حال توسعه نمی‌توانند خود را با جدول پرداختها هماهنگ سازند. تنها چهار کشور از ۲۱ کشور در امریکای لاتین توانسته‌اند تعهدات خود را به موقع به بستانکاران خصوصی، ادا کنند. دولت‌ها بیش از هر چیز سعی می‌کنند تا اعتبار خود را نزد وام‌دهندگان بین‌المللی حفظ کنند. زیرا اینها وام‌دهندگان نهایی برای بدهکاران می‌باشند. مع ذلک ۸ کشور پرداخت اصل و فرع به بانک جهانی و ۱۱ کشور به صندوق بین‌المللی پول را به تعویق انداخته‌اند. اگرچه باردهی در هر کشور ابعاد متفاوتی دارد، اما فشار برای پرداخت اصل و فرع بدهی برای اغلب کشورها بسیار سنگین است. این فشار را بسیاری از اقتصادهای شکننده نمی‌توانند تحمل کنند.

اغلب کشورها و منطقه‌های بدهکار بزرگ، کشورهایی هستند که دارای نرخهای رشد پایینی می‌باشند. در گروه ۱۵ کشور بزرگ بدهکار تولید ناخالص داخلی در خلال دهه ۱۹۸۰، سالانه یک درصد کاهش یافت، در حالی که این نرخ برای کشورهایی که درگیر بحران بدهی نبودند دارای افزایشی در حدود ۴ درصد بود.

این تصادفی نیست. رکود و بدهی یکدیگر را تشدید می‌کنند. رشد ناچیز و درآمد صادراتی پایین کشور را مجبور به افزایش وامهای خارجی می‌کند تا بتواند هزینه‌های جاری خود را حفظ کند. نهایتاً "پرداخت اصل و فرع بدهی را برای کشور مشکل می‌سازد. فشار به موقع پرداختن اصل و فرع خود منابع مالی را که می‌توانست برای افزایش نرخ رشد بکار رود، به کانالهای دیگر منحرف می‌سازد.

بدهی خارجی زیاد به شکلهای زیر عملکرد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد: کاهش سرمایه‌گذاری داخلی - به خاطر اینکه بخش بزرگی از درآمد ارزی و سایر منابع بودجه برای بازپرداخت بدهی مورد نیاز است، سهم کمتری به سرمایه‌گذاری داخلی می‌رسد. در بسیاری از کشورهای بدهکار کاهش شدید در هزینه‌های بهداشت و آموزش، که کلید توسعه اقتصادی در بلندمدت هستند، وجود داشته است. منابع مالی که کشورهای در حال توسعه به خارج برای بازپرداخت بدهی انتقال می‌دهند، تقریباً "برابر کل کاهش در سرمایه‌گذاری است.

نسبت سرمایه‌گذاری داخلی به تولید ناخالص داخلی بین سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۸۷ در آرژانتین از ۲۵/۸ به ۱۲/۷ درصد در برزیل از ۲۳/۳ به ۱۶/۳ درصد، در مکزیک از ۲۳/۲ به ۱۷/۸ درصد کاهش یافته است. برای امریکای لاتین این نسبت از

۲۲/۶ به ۱۶/۶ سقوط کرده است. نهایتاً برای گروه ۱۷ کشور بدهکار بزرگ، تشکیل سرمایه ناخالص حقیقی بین سالهای ۱۹۸۲ و ۱۹۸۵، ۴۰ درصد کاهش یافت. اگرچه از آن پس دوباره افزایش یافته اما هیچگاه به سطح قبل از سال ۱۹۸۲ نرسیده است.

در آفریقا نرخ تشکیل سرمایه در مقایسه با تولید ناخالص داخلی از ۲۱ درصد در آغاز دهه به ۱۵/۶ درصد در سال ۱۹۸۸ کاهش یافته است. در برخی از کشورها این نرخ آنقدر پایین آمده که حتی حفظ موجودی سرمایه جاری نیز ممکن نمی‌باشد، یعنی ساختمانهای دولتی، ماشین‌آلات، کارخانه‌ها، جاده‌ها، راه‌آهن و سایر تسهیلات به خاطر کمبود منابع برای تعمیر و نگهداری از بین می‌روند.

کاهش واردات - نیاز به پرداخت تعهدات مربوط به بدهی حفظ سطح واردات مورد نیاز برای رشد اقتصادی مستمر را مشکل می‌سازد. کارایی کشاورزی، چه محصولات صادراتی چه محصولات برای مصرف داخلی، نمی‌تواند بدون افزایش کافی کود، بذر اصلاح شده و تجهیزات و ماشین‌آلات کشاورزی، که بخشی از آنها باید وارد شود، افزایش یابد. صنایع در کشورهای در حال توسعه غالباً به تکنولوژی ماشین‌آلات و مواد خام وارداتی وابسته هستند. بین سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۸۶، رشد واردات کشورهای در حال توسعه ۵/۵ درصد در سال و بسیاری کمتر از نرخ رشد جمعیت آنها بوده است، بنابراین واردات سرانه در این کشورها کاهش یافته است. در آفریقا که بیشتر به نهاده‌های خارجی وابسته است، حجم واردات به طور متوسط در همین دوره ۷/۵ درصد در سال کاهش یافته است. برای امریکای لاتین بین سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳ واردات ۴۳ درصد کاهش یافت و حجم واردات این منطقه در سال ۱۹۸۸ در حدود $\frac{۳}{۴}$ حجم واردات در سال ۱۹۸۰ بود.

کناره گرفتن وام دهندگان و سرمایه‌گذاران - بدهی خارجی زیاد و بخصوص مشکل در پرداخت اصل و فرع، اعتبار کشور را در چشم بانکها و مؤسسات خارجی به شدت کاهش می‌دهد. بانکهای تجاری هنگامی که احتمال کاهش ارزش حقیقی وام وجود دارد یا ریسک عدم بازپرداخت افزایش می‌یابد، تمایلی به دادن وام بیشتر از خود نشان نمی‌دهند. برای مثال، بانکی که به مکزیک ۱۰۰ میلیون دلار وام داده و به خاطر اینکه اوراق قرضه مکزیک در بازار ۳۸ میلیون دلار خرید و فروش می‌شود، درمی‌یابد که به جای ۱۰۰ میلیون مالک ۳۸ میلیون دلار است. در نتیجه وام‌دهی بانکهای تجاری خصوصی به کشورهای در حال توسعه که با بحران بدهی‌ها روبرو هستند، کاهش می‌یابد. علاوه بر این حجم اعتبارات تجاری سه کشورهای بدهکار نیز کاهش یافته و اینها را مجبور به چشم‌پوشی از واردات کالاهای سرمایه‌ای و سایر کالاهای ضروری ساخته است. سرمایه‌گذاران خصوصی نیز که نسبت

به عدم اطمینان اقتصادی حساس هستند (که در اثر بحران بدهی افزایش یافته است) ، به جستجوی سرمایه‌گذاری‌های مطمئن‌تر پرداخته‌اند . این باعث کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه بین سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۸۶ به میزان ۵۰ درصد شده است ، اگرچه از سال ۱۹۸۱ به بعد این رقم دوباره افزایش یافته اما غالباً کشورهای بسیار بدهکار مشمول چنین افزایشی نبوده‌اند .

عدم امکان انجام اصلاحات اقتصادی - پرداخت اصل و فرع زیاد ، افزایش ناگهانی در نرخهای بهره و کمیابی منابع مالی جدید در بسیاری از کشورهای بدهکار مانع از اجرای ادامه‌مؤثر اصلاحات اقتصادی شده است . تعهدات بازپرداخت وام و کاهش حقوق گمرکی دریافتی ، کاهش کسر بودجه دولت را مشکلتر ساخته است و دولت‌ها را مجبور کرده تا یا بدهیهای داخلی خود را افزایش داده یا به چاپ اسکناس دست زنند ، که این تورم شتابان را ایجاد کرده است . عدم ثبات مالی بسیاری از مزایای ناشی از سیاستهای تطبیق را از میان برداشته و در عین حال هزینه‌های اجتماعی این مسئله را افزایش داده است . پذیرش عمومی سیاستهای اصلاحی انقباضی هنگامی که نتایج قطعی به بار نمی‌آورند ، کاهش می‌یابد ، مردم فداکاری بیشتر را تنها به نفع بستانکاران خارجی می‌بینند و نه به نفع توسعه محلی . در برابر این فشارها تعدادی از دولت‌ها برنامه‌های اصلاحی را رها کرده یا کاهش داده‌اند .

با ادامه بحران ، شواهد نشان می‌دهند که رکود اقتصادی بسیاری از کشورهای بدهکار ، بار سنگینی بر دوش مردم گذارده است .

کاهش هزینه‌های عمومی ناشی از بحران بدهی غالباً آن گروه از هزینه‌ها را که بیشترین مردم از آن منتفع می‌گردند ، شامل می‌شود : بهداشت و آموزش - کمیابی ارز برای پرداخت واردات بدین معنی است که بیمارستانها و درمانگاهها در کشورهای بدهکار فاقد داروها و تجهیزات ضروری هستند ، سیستم‌های آبیاری و فاضلاب به خاطر کمبود منابع مالی برای تعمیر و نگهداری از بین می‌روند و این شرایط بهداشتی را بدتر می‌کند . مدارس دریافت شهریه را آغاز می‌کنند و این نرخ کسانی که وارد مدارس نمی‌شوند ، بخصوص از خانواده‌های فقیر را افزایش می‌دهد .

یونیسف نتیجه‌گیری کرده است که در ۳۷ کشور از فقیرترین کشورها ، که بسیاری از آنها جزء کشورهای بدهکار نیز هستند ، هزینه سرانه بهداشت در دهه گذشته به میزان ۵۰ درصد و هزینه سرانه آموزش نیز به میزان ۲۵ درصد کاهش یافته است . نرخ مرگ و میر نوزادان در برخی از کشورهای بسیار بدهکار نیز افزایش یافته است . سایر اثرات اجتماعی

یا پرداخت هزینه بحران بدهیها به وسیله افراد عبارتند از:

* کاهش قدرت خرید (تورم و کاهش و حذف کمک هزینهها)

* عدم اطمینان و فشار ناشی از جستجوی عبت برای کار در بخش دولت و تلاش

برای ایجاد درآمد از بخش غیررسمی

* مهاجرت و خطرات ناشی از آن برای کار در خارج به خاطر کمبود فرصت اشتغال

در داخل. مهاجرت از کشورهای بدهکار جنوب به کشورهای شمال از آغاز بحران بدهیها، افزایش یافته است.

* افزایش فحشا، به خاطر عدم امکان کار و تأمین هزینه بخصوص در مورد زنان

* افزایش مالیاتها به وسیله دولت

به خاطر افزایش شدید در نرخ مرگ و میر نوزادان، فقر و سایر مفاسد اجتماعی در

کشورهای بدهکار بزرگ است که یونیسف اعلام داشته است: "علاوه بر توجه به اثرات اقتصادی و مالی بدهیها باید اثرات انسانی بحران بدهیها را نیز در نظر داشت".

به عقیده یونیسف برای دستیابی به رشد اقتصادی، سرمایه انسانی بیش از سرمایه

غیر انسانی اهمیت دارد.

تنها کشورهای بدهکار نیستند که تحت تأثیر بحران بدهیها قرار گرفتهاند. اثرات

بحران جهانی بوده است، بحران حتی بر کشورهای ثروتمند و صنعتی نیز اثر گذارده است.

در برخی موارد، اثرات کلان اقتصادی قابل ملاحظه بودهاند. اگرچه برخی از این آثار

را آمارشناسان اقتصادی مشخص نکردهاند، مع ذلک برخی از آنان بر زندگی روزانه مردم

اثرات نامطلوبی گذارده است.

به خاطر کاهش توانایی کشورهای بدهکار در ورود کالا از کشورهای توسعه یافته،

تولیدکنندگان کشورهای شمال، سفارش برای صدور کالای کمتری را دریافت کردهاند. هنگامی

که مسائل اقتصادی دوام پیدا می کنند، همانند ندوام مشکلات در امریکای لاتین و آفریقا،

شرکتها در بلندمدت بخشی از بازار خود را از دست می دهند که این باعث کاهش تولید

و بیکاری کارگران می شود. یکی از کشورهایی که این مسئله را تجربه کرده ایالات متحده امریکا

است. یک بررسی که اخیراً به وسیله شورای توسعه ماوراء بخار انجام شده پیش بینی

می کند که به خاطر کاهش صادرات امریکا به کشورهای امریکای لاتین در سال ۱۹۸۷،

۸۶۰۰۰۰ نفر بیکار شده و در نتیجه کاهش صادرات این کشور به کشورهای در حال توسعه

به طور کلی ۱/۸ میلیون نفر شغل خود را از دست دادهاند. همین بررسی نشان می دهد

که نیمی از مشاغل از دست رفته ناشی از بحران بدهیها بودهاند. یک بررسی دیگر پیش بینی

کرده است که در اروپای غربی ۲ تا ۳ میلیون شغل به خاطر کاهش تجارت با جهان سوم از دست رفته است .

فشارهای اقتصادی ناشی از بحران بدهیها ، مسائل محیطی را نیز تشدید می کنند . فقر باعث شده که از کستاریکا تا مالزی گیاهان برای تغذیه دام و ساختن لوازم قطع شده اند . قطع گیاهان و درختان همه مردم جهان را تحت تأثیر قرار می دهد . از بین بردن جنگلها می تواند باعث فرسودگی خاک و افزایش کمبود مواد غذایی گردد .

برخی از کشورهای بدهکار به خاطر کاهش هزینه های تولید ، افزایش انگیزه برای سرمایه گذاران خارجی ، استانداردهای ایمنی و محیط زیستی را یا کاهش داده یا کنار گذارده اند . این بدین معنی است که ضایعات صنعتی دیگر به درستی از بین برده نمی شود ، حاصل آلودگی بیشتر آب ، هوا و خاک است .

کشاورزان فقیر در کشورهای بدهکار که برای بقای خود مبارزه می کنند ممکن است به استراتژی قدیمی تولید سودآورترین محصولات متوسل گردند ، یعنی تولید حبشیش ، تریاک ، کوکائین که همه مواد اولیه برای ساخت مواد مخدر هستند . کاهش در سطح زندگی در نتیجه بحران بدهیها انگیزه برای تولید مواد مخدر را که به سمت کشورهای شمال سرازیر می شود ، افزایش داده است ●

● اخبار انجمن ●

اسامی اعضاء جدید انجمن با سوابق تحصیلی و محل کار آنان
به شرح زیر توسط دبیرخانه انجمن در اختیار ما گذارده شده است :

محل کار

تحصیلات

اعضای جدید انجمن

شرکت مبلهران	لیسانس	آقای حیدر مستخدمین حسینی
شرکت نفت - امور پخش	لیسانس	آقای عبدالله ابیچکی
اداره کل چای شمال	لیسانس	آقای محسن سوده سرابی



مجموعه قوانین مالیاتی

«مالیاتهای مستقیم»

همراه با سایر قوانین، تصویبنامه ها،
آییننامه ها و بخشنامه های مربوط

به ضمیمه فهرست تفصیلی موضوعی مواد
قانون مالیاتهای مستقیم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
به اهتمام
پرتال جامع رضائیه ملکی

کارشناس رسمی

(امور مالی، حسابداری و حسابرسی)



انقذارات ارده بهوش